

نگاه

ما که ۵ ساعت در صف رأی بودیم

امیر محمدی

• ۲۰ سال قبل که افشار میان‌سال امروز خیلی جوان‌تر، پرشورتر و خوش‌باورتر از امروز بودند، اتفاقات جدیدی در فضای عمومی و اجتماعی کشور به‌وضوح دیده می‌شد که خواسته یا ناخواسته پیامدهای آن به نقطه‌عطفی در تاریخ سیاسی ایران تبدیل شد. احساس اثرگذاری و توان ایجاد تغییرات، در مردمان ما و به‌ویژه طبقه متوسط جامعه به تبع انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۷۶، به شکلی رو به تزاید و تصاعدی در حال افزایش بود. در آن حال‌وهوای شوق‌برانگیز که هنوز از امکانات و ابزارهای ارتباطی امروزی بی‌بهره بودیم، لاجرم مجبور به تحمل برنامه‌های تکراری، جهت‌گیری‌های مخالف آرای عمومی و تبلیغات و تحلیل‌های یک جانبه رسانه ملی با هدف تخریب کاندیدای مورد توجه مردم و جلوگیری از اقبال بیشتر به ایشان بودیم. در آن زمان و در همین رسانه ملی برای اولین‌بار بدعت ظاهر-ا جذاب منظره کاندیداها (البته به شکل جمعی) مطرح و ارائه شد. آن منظره‌ها مجریانی داشتند که گویا قرار نبود که بی‌طرف باشند و از قضا مشاهده می‌شد که موضع‌گیری‌های آنان علیه کاندیدای موردنظر مردم بعضا از کاندیدا‌های رقیب نیز تندتر و تخریبی‌تر بود. اگر حوصله و (البته دسترسی به آرشیو آن منظره‌ها) داشته باشید، مشاهده خواهید کرد ک شاخص‌ترین آن مجریان موصوف، همین آقای محمد نهاوندیان، رئیس دفتر کنونی ریاست‌جمهوری بود.

۲- در تمامی سال‌های دوره اول ریاست‌جمهوری جناب آقای روحانی، گذشته از انبوه انتقاده‌ا و تخریب‌های جناح مقابل نسبت به عملکرد اقتصادی دولت، بسیاری از مدافعان و هواداران جناب ایشان بر این نکته اصولی و اساسی اتفاق نظر و تأکید داشتند که گروه اطلاع‌رسانی و بخش ارتباطات اجتماعی دفتر ریاست‌جمهوری نه‌تنها عملکرد قابل قبولی ندارد، بلکه با توجه به هویت اعضا و سابقه تمایلات گروهی آنان (و حتی عضویت در ستادهای انتخاباتی رقب‌ا) عمدتا منتشرکننده پیام و منادی شوق نسبت به «تداوم «امید» و «توفیق» در بین مردم نبوده است. درواقع از این گروه که خاستگاه فکری و تمایلات گروهی آنان هیچ‌گاه با خواسته‌ها و انتظارات پدیدآوردنگان نتیجه انتخابات سال ۹۲، مشابهت و سنخیت نداشته است، چنین عملکرد و رویه‌ای تعجب‌برانگیز نبوده و نیست. هرچند با هنرمندی و تبحر در میوه‌چینی بر جایگاه‌ها و مناصب ناشی از انتخابات مزبور جلوس کرده باشند.

۳- با این احوال، تجربه‌ها و واقعیت‌های میرهن، متأسفانه و شوربختانه در اکثر اخبار و نقل‌قول‌ها درباره ترکیب وزرای پیشنهادی برای دولت آتی، همواره یک سهمیه برای جناب آقای نهاوندیان مشاهده می‌شود. تا جایی که اخیرا حتی زمینه‌سازی برای مطرح‌کردن ایشان به عنوان وزیر امور اقتصادی و دارایی نیز در دستور کار حامیان ایشان قرار گرفته است. باللهعجب!

ایسن در حالی است که وزارت امور اقتصادی و دارایی در چهار سال اخیر، به‌ویژه ایجاد شرایط تثبیت اقتصاد، بازگشت رشد به اقتصاد (هرچند ناکافی)، مهار تورم لجام‌گسیخته، استقلال سیاست‌های اقتصادی از روابط شخصی، گروهی و... که مورد تأیید اکثر فعالان و دست‌اندرکاران مباحث اقتصادی است، عملکرد نسبتا مؤثر و موفق‌ی داشته است. افکار عمومی به خوبی به یاد دارند که جناب آقای طبین‌یا در چهار سال گذشته برای مواردی مجبور به پاسخ‌گویی بوده‌اند (مانند وضعیت ارزی و مؤسسات اعتباری و...) که عملا نقش یا اختیاری در رابطه با مشکلات مطرح‌شده نداشته‌اند. بسیاریرد مردمانی که مانند این نگارنده، بدون وابستگی تشکیلاتی به احزاب و گروه‌های سیاسی و با گذشت چهار سال از حضور و نتیجه حماسه‌گونه انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۲ و شور و شوق ناشی از آن، به خاطر اینکه می‌دیدیم نتیجه آن مشارکت متفقاانه عملا به سکانداری برخی از میوه‌چیان منجر شده بود، برای حضور مجدد و حمایت از جناب آقای روحانی مردد و منفعل شده بودیم، اما پامردی شخص ایشان در صیانت اصلاح و اعتدال، اعلام حمایت بزرگواران خوشنام و مورد وثوق مردم، امید به تداوم خدمت بزمکمردانی مانند دکتر طریف، جهانگیری، دکتر قاضی‌زاده‌شامی، دکتر طبین‌یا و... باعث شد که باز هم جامه تردید و انفعال را به گوشه‌ای انداخته و عینک خوش‌بینی بر چشم بزنیم و با تحمل شرایط سخت و کم‌سابقه انتخابات اخیر ساعت‌ها در صف بایستیم و جناب آقای دکتر روحانی را با نصاب و نتیجه‌ای قاطع‌تر از دوره قبل انتخاب کنیم.

الحمدلله ما وابسته به گروه یا باندی نیستیم که بتوانند اتهام کلیشه‌ای سهم‌خواهی را به ما پچسبایند. اما این حق و انتظار بحق را برای خود محفوظ می‌دانیم که امید مردم نایمذ نشود. اختیار امور به اشخاصی که هیچ‌گاه با تمایلات و خواسته‌های آحاد ایرانیان همرا نبوده‌اند سپرده نشود، مصالح و معیشت عموم مردم به دست حامیان و منسوبان بازرگانان، ارزداران و اتاق‌ها! نیفتد.

آیا عنایت و توجه به این انتظارات، نشان‌دهنده انصاف و مروت نیست؟

سیاست

قالیباف خواستار تدوین مانیفست «نواصولگرایی» شد

اصولگرایان پوست می‌اندازند؟

تحلیلی بر نامه قالیباف خطاب به جوانان اصولگرا



عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

عتیق

وابسته یا زاییده از درون خود این جریان بود که گاه نام «نواصولگرایی» بر آن نهاده شده است. جریان‌هایی مانند جمعیت آبادگران یا رهپویان انقلاب اسلامی یا جبهه متاخر پایداری. نماد مشخص این نواصولگرایی را در شخص و جریان احمدی‌نژاد می‌توان پی گرفت. این نواصولگرایی در برابر جریان سنتی و غالب مانند حزب مؤتلفه، جامع‌تین جامعه روحانیت مبارز و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم قرار داشت. بعدها از دل نواصولگرایی به تعبیر خود اصولگراها «جریان انحرافی» و به تعبیر حامیان احمدی‌نژاد «گفتمان بهار» متولد شد. نام اصولگرایی اگر بعد از شکست دوم خرداد متولد شد، نام نواصولگرایی هم درست بعد از شکست انتخابات ۹۲ و ۹۶، بخشی از مجلس در ۹۴ و شورای شهر ۹۶ است که دارد مطرح می‌شود.

تعریف‌نشده

قالیباف در نامه خود هیچ تعریفی از نواصولگرایی ارائه نکرده است. نوشته که مقصودش چیست؟ آیا از یک تر سیاسی سخن می‌گوید یا ایده گفتمانی؟ آیا اصولگرایان به بحران‌های فکری، اجتماعی، فلسفی و اقتصادی رسیده‌اند که باید از نواصولگرایی سخن بگویند یا نواصولگرایی صرفا قرار است برای برون‌رفت از بن‌بست سیاسی‌ای که اصولگرایان در مواجهه با مناصب انتخابی دچارش شده‌اند، چاره‌اندیشی کند. نکته درخور توجه دیگر این است که ایده نواصولگرایی از ناحیه یک سیاست‌مدار با سابقه نظامی –انتظامی

پاسخ کدخدایی به چگونگی اعلام دلایل رد صلاحیت‌ها:

شورای نگهبان به کسی التماس نمی‌کند

احضار شدند. آیا این موارد درباره گزارش شورای نگهبان به قوه قضائیه بوده است؟ گفت: بارها گفتم‌ها بخشی از تخلفات در حوزه صلاحیت شورای نگهبان است. آن هم تخلفاتی که در سرنوشت انتخابات تأثیرگذار باشد. اگر شورای نگهبان این را تشخیص داد، می‌تواند نسبت به توقف یا ابطال انتخابات در یک یا چند حوزه انتخابیه اقدام کند. برخی تخلفات هم هستند که جرم‌انگاری شده و در حوزه قوه قضائیه است.

سخنگوی شورای نگهبان افزود: این‌گونه موارد را هرکسی می‌تواند برای قوه قضائیه ارسال کند. شورای نگهبان، هیئت‌های اجرایی، هیئت‌های نظارت یا مردم عادی، هرکسی ذی‌نفع باشد یا نباشد اگر تخلفی را ببیند، می‌تواند گزارشی را به قوه قضائیه اعلام کند. مواردی که احتمال دادیم و گزارش تخلف بوده به قوه قضائیه ارسال کردیم. شورای نگهبان یا هر دستگاه دیگری هم می‌تواند گزارش‌هایی را ارائه دهد. از آن پس هم مسئولیت بر عهده قوه قضائیه است. کدخدایی در پاسخ به آخرین سؤال مبنی بر اینکه شورای نگهبان چه زمانی به موضوع شاخص رجل سیاسی ورود می‌کند، گفت: با توجه به شکل کار کمیسیونی که در پاسخ قبل توضیح دادم، شورای نگهبان هم باید نظرات را دراین‌باره سریع اعلام کند که در بررسی آن لایحه این نظرات اعمال می‌شود. خبرنگاری ضمن انتقاد از طرح موضوع کوین تریاک از کدخدایی پرسید که آیا مصوبه‌ای دراین‌باره به شورای نگهبان رسیده یا خیر؟ که او گفت: در این خصوص ما هم از رسانه‌ها مطالبی را شنیدیم، اما هنوز مصوبه‌ای دراین‌باره دریافت نکرده‌ایم. قانون تشخیص مصالح و ضرورت چنین مصوبه‌ای را بر عهده مجلس گذاشته، منتظریم بعد از دریافت مصوبه اعلام نظر کنیم.

سخنگوی شورای نگهبان در پاسخ به سؤال خبرنگار دیگری مبنی بر اینکه بیش از دو سال است که

درباره کمبود زمان نظارت شورای نگهبان موضوعاتی مطرح می‌شود، دراین‌باره چه اقداماتی انجام شده است؟ گفت: درباره مصوباتی که ارسال می‌شود از باب نظارت تقنینی طبق قانون دو تا ۱۰ روز فرصت داریم که البته نسبت به مصوبات جامع‌تر مانند برنامه‌های توسعه و بودجه فرصت کافی نداریم، ولی چون حکم قانون است با ایجاد جلسات فوق‌العاده درباره این موارد اعلام نظر می‌کنیم. نسبت به زمان انتخابات هم در سیاست‌های کلی انتخابات ابلاغ‌شده از سوی مقام معظم رهبری مورد تأکید قرار گرفته است. امیدواریم

در قانون جامع انتخابات که دولت و مجلس در صدد تصویب آن هستند، فاصله‌های زمانی به‌گونه‌ای باشد که شورای نگهبان فرصت کافی داشته باشد.

جایگاه مردم در نواصولگرایی چگونه باید باشد؟ آیا ما نیازمند بازگشت به مردم و توجه به مطالبات و نقش آنها در اداره همه امور نیستیم؟ چگونه می‌توان بدون چشم‌پوشی از آرمان‌ها با واقعیت تغییر سبک زندگی طبقه متوسط کنار آمد؟ شیوه تعامل نواصولگرایی با دولت چگونه باید باشد؟ نسبت نواصولگرایی با رهبری انقلاب، نهادهای حاکمیتی و جریان‌های سیاسی رقیب چگونه باید باشد؟

قالیباف در حالی از ضرورت «خودانتقادی» در میان اصولگرایان می‌گوید و در نامه‌اش می‌نویسد: «تصمیم‌گیری در راس جریان دچار اختلال است» که گزاره‌هایی که مطرح می‌کند، لزوما همسو با پرسش‌هایی که طرح کرده نیست. مشکل او ظاهرا و صرفا ناکارآمدی دولت است اما از ایده نواصولگرایی سخن می‌گوید. مشکل را در ناکارآمدی دولت‌های بعد از دفاع مقدس می‌داند اما در پرسش‌هایش پاسخ را در جایی دیگر طلب می‌کند. در بخش نخست نامه‌اش هیچ اشاره‌ای به نارسایی یا ضعف‌های جریان فکری– سیاسی اصولگرایی نمی‌کند. دلیلی هم در لزوم توضیح وضع موجود نمی‌بیند. قاعده این است که وقتی از نواصولگرایی یعنی لزوم کوچ از اصولگرایی صحبت می‌شود، ابتدا وضعیت موجود جریان اصولگرایی تشریح شود اما قالیباف حتی در نامه خودانتقادی هم ترجیح داده است که به دولت اعتدالی حمله کند نه اصولگرایان!

این اشتباهی است که رئیسی هم کرده است. ابراهیم رئیسی در گفت‌وگوهایی که بعد از انتخابات داشته درباره علت شکست خود یا جریان حامی‌اش حتی نیم‌نگاهی هم به نقد درونی نداشته است. او مدام بر کنش رقیب تأکید کرده و مدعی است روحانی با رقیب‌هراسی عامل شکست او شد. پیش از یک سیاست‌مدار، یک تحلیلگر و روزنامه‌نگار اصولگرا هم از نواصولگرایی سخن گفته بود. قالیباف می‌تواند از این گذشته هم مدد بگیرد. امیر محبان سال ۹۲ از لزوم تغییر در جریان اصولگرایی نوشت و شاخص‌هایی برای نواصولگرایی مدنظر خود تعریف کرد. مثل اینکه: «تغییر باید هواداران جناح را درگیر خود کند نه آنکه بر آنها تحمیل شود. مسئولیت ایجاد تغییرات در جناح با کیست؟ نخبان، احزاب یا جوامع روحانی اصولگرا؟ آیا تغییرات باور‌ها را هم در بر می‌گیرد؟ یا فقط تغییرات ساختاری است؟ یا صرفا بعضی از چهره‌ها را جابه‌جا خواهد کرد؟ یا مراجع فکری جناح تغییر خواهد کرد؟».

روزنه

ماجرای ژن خوب

• «آن کسی که توانایی دارد، به جایی رسیده، حتما استعدادهایی داشته است. در این استعداد، بحث ژن و وراثتی وجود دارد؛ پدر و مادر هر دو جزء شاگرداول‌های کنکور ایران بودند». این بخشی از صحبت‌های حمیدرضا عارف، پسر محمدرضا عارف، در مصاحبه با برنامه اینترنتی «خیلی محرمانه» بود. مصاحبه در اسفند ۹۵ ضبط شد و ۲۹ تیر ۱۳۹۶ بر روی سایت آپارات قرار گرفت. فیلم اصلی ۲۴ دقیقه است؛ البته نسخه دودقیقه‌ای که خلاصه آن ۲۴ دقیقه بود، بیشتر دیده شد. در این مصاحبه حمیدرضا عارف درباره مباحثی مانند «آقازادگی»، ژن خوب، اینکه آدم اصل‌ونسب‌داری است و... صحبت کرده است.

حرف‌های حمیدرضا عارف به‌سرعت توجه افکار عمومی و به‌ویژه فعالان فضای مجازی را جلب کرد. به‌صورت مشخص می‌توان به هشتگ «ژن خوب» به‌عنوان موج انتقادی به سخنان فرزند دکتر عارف توجه کرد که نه به ابتکار اصولگرایان بلکه به دست هواداران اصلاح‌طلبان و دگراندیشان پرنگ شد؛ انتقاداتی که در بسیاری از موارد، جنبه طنز به خود گرفت. برخی با کنار هم قراردادن افرادی که فرصت رشد و شکوفایی از آنها گرفته شده، با بحث «ژن خوب» به‌شدت به پسر عارف تاختند؛ عده‌ای این حرف را نژادپرستانه دانستند و گروهی هم این حرف را استهزا کردند. حمیدرضا عارف در بخشی از مصاحبه می‌گوید: «بالاخره این خون می‌آید و می‌رسد. همین‌جوری که کسی نمی‌تواند ادعا کند من اصل‌ونسب دارم. من افتخار می‌کنم این توانایی‌ها از یک ژن خوب، از یک خون خوب، از دو خون خوب (هم از طرف مادر و هم از طرف پدر) [به من رسیده است]».

پسر رئیس فراکسیون امید مجلس، بعد از مواجه‌شدن با موج انتقادات، در اینستاگرام خود نوشت: «... کسانی که فقط پیشرفت خود را درکاسبی و تخریب دیگران می‌بینند، در انتشار تقطیع و تحریف‌شده این مصاحبه برآمدند تا ثابت کنند من خود را ژن برتر یا هر مزخرف دیگری که آنها به خیال خود ترند کرده‌اند، معرفی کرده‌ام؛ اما این پاسخ هم نه‌تنها از حجم انتقاده‌ا نکاست، بلکه تتور انتقادات را گرم‌تر و به فهرست نقدهای وارد بر او افزود.

